



ا دکتر مرتضی مجدفر

اشاره

طراحی آموزشـــی و تدوین، نگارش و اجرای طرحدرسهای سالانه و هفتگی و روزانه در کلاسهای درس از وظایف اصلی همهٔ معلمان در همهٔ دورههای تحصیلی است. عدهای معتقدند حرفهای بودن معلمان، از تسلط آنها به مهارت طراحی آموزشی مشخص می شود. معلمان باید این فعالیت را در تابستان و پیش از آغاز به کار مدارس به انجام برسانند.

به دلیل اهمیت این مبحث برای معلمان، دکتر مرتضی مجدفر، این موضوع درازدامن را قدری محدودتر کرده و بدون وارد شدن به جزئیات، با طرح ۱۲ پرسش اساسی، کوشیده است با پاسخهای کاربردی، یاریگر معلمان در امر مهم طراحی آموزشـــی باشد. به جهــت اهمیت توالی به کار رفته در پرســشها، لطفاً در هنگام خواندن متن، این تر تیب را رعایت کنید.

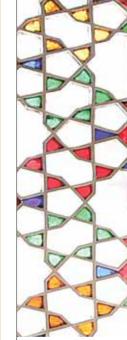
■ طراحی آموزشی چیست؟

طراحی آموزشی، عبارت از فرایند پیشبینی روشهای آموزشی برای رسیدن به اهداف خاص، برای فراگیرندگان خاص در شرایط

خاص است. وقتى گفته مىشود پيشبينى، يعنى معلم بايد اين توانمندی را داشته باشد که در پلههای روزهای پایانی شهریورماه بایستد و چشمانداز کلاس خود تا انتهای سال تحصیلی را نظاره کند. به عبارت دیگر، طراحی آموزشی فکر کردن و برنامهریزی در مورد کاری است که هنوز شروع نکردهایم.

■ وقتی از چشمانداز کلاس سـخن گفته میشود، منظور چیست؟

چشمانداز کلاس براساس پیشبینی و نه پیش گویی، به دنبال تحلیل مأموریت است که باید به عملکرد و سپس وظیفه تبدیل شود. برای وظیفه، «وسایل یا رسانه» و «روش و ابزار» را به کار می گیریم. انتخاب روش، بر مبنای اهداف عملکردی صورت می پذیرد و روشها و فنون تدریس، ابرار کار قرار می گیرند. در این تحلیل مأموریت، مدتها صرفاً «محتوای تدریس» (What to teach) مطـرح بود که بعدها به «چگونگی یا روش تدریـس» (How to Teach) و در نهایـت، در تعاریف جدید طراحی آموزشی، به تدریس «چه چیزی و برای چه کسی» (What to whom to teach) تبديل شد. به اين ترتيب در طراحي



آموزشی جدید، یادگیرنده است که روش تحلیل آموزشی و بالطبع روش تدریـس ما را تعیین خواهد کـرد. بنابراین، در طراحی آموزشی نگاهی کل گرایانه داریم و بهصورت ریز و جزئی، وارد ماهها، هفتهها و روزها نمی شویم ولی می دانیم که طی سال تحصیلی پیش رو، چه خواهیم کرد، با چه دانش آموزانی و با چه ویژگیهایی روبهرو میشویم، از چه روشهایی در تدریس بهره خواهیم برد، علاوه بر فضاهای آموزشی کلاسیک و ثابت و ساير فضاهاي موجود در مدرسه، چه اردوها و بازديدهايي خواهیم داشت، چه پژوهشها و تکالیفی را به دانش آموزانمان واگذار خواهیم کرد، نقـش دانش آموزانمان بهصورت انفرادی و گروههای دانش آموزی در ادارهٔ کلاس چگونه خواهد بود، آزمون های ما چه ویژگی هایی خواهند داشت، چه فیلمها و ابزارهای آموزشی دیگری را به کار خواهیم گرفت، فضاهای مجازی و ابزارهای نوین ارتباطی در تدریس ما چه جایگاهی خواهند داشت و کتابهای کمکدرسی و مکمل، کاربرگها و مواد آموزشی همراه و تکمیلی ما در طول سال چه چیزهایی

خواهند بود. همچنین، باید از مفید و استاندارد بودن آنچه پیشبینی کردهایم، مطمئن باشیم و بدانیم که آیا برنامهای عملیاتی برای مدیریت زمان در طول سال تحصیلی تهیه کردهایم، در چه شرایطی و با چه سطحی از نمرات و نتایج به دست آمده دانش آموزان ما در وضع مناسب یا رو به پیشرفت قرار دارند، آیا برای ارزیابی تدریس خود تحلیلهای دورهای پیشبینی کردهایم، آیا قرار است دریک فعالیت مشارکتی دستهجمعی با همکاران مدرسهای و دیگر معلمان به بهسازی تدریس خودمان بیردازیم و پرسشهای دیگری از این گونه، که باید یاسخ همه را بدانیم.

■ آیا طراحی آموزشی، همان تدوین و نگارش طرحدرس است؟

طراحی آموزشی، مجموعه است و تدوین و نگارش طرحدرس سالانه و روزانه، یکی از زیرمجموعههای آن. گفته شد که طراحی آموزشی، بیشتر پیشبینی و تفکر دربارهٔ چیزهایی است که قرار است در کلاس اتفاق بیفتد؛ در حالی که طرحدرس، دست به قلم شدن توأم با تفكر است. يعنى بايد ابتدا تحليل أموزشي انجام دهیم، هدف را تعیین و تحلیل و اهداف عملکردی و آموزشی را مشخص و اولویتبندیها را تعیین کنیم و سیس براساس اولویتها، برای آن محتوا، روش و رسانه تعیین نماییم. البته در نظام برنامهریزی درسی ایران که تولید محتوا تقریبا متمرکز است، تحلیل محتوا، احاطه پیدا کردن بر آن و نیز تعیین محتواهای تکمیلی براسـاس توانمندیها و تفاوتهای فردی، فرهنگے و اقلیمی دانش آموزان، از وظایف معلم در طراحی آموزشیی و سپس تدوین، نگارش و اجرای طرح درس

■ با این توضیحات، آیا طراحی آموزشـــی، اقدامی تحلیلی _فلسفی و تدوین و نگارش طرح درس، اقدامی عملیاتی است؟

طراحی آموزشی،

عبارت از فرایند

پیشبینی

روشهای

آموزشی برای

رسیدن به اهداف

خاص، برای

فراگیرندگان

خاص در شرایط

خاص است

تاریخ معین قدم گذاشتهایم.

اساس هر دو، رخداد یادگیری است که در هستهٔ مرکزی

البته بسیاری از پرسشهایی که در طراحی آموزشی و تدوین، نگارش و اجرای طرحدرس مطرح می شوند، مشابهت زیادی به

یکدیگر دارند. اگر هر یک از این پرسشها و ایدهها را بهصورت

کلی و در شکل پیشبینی پاسخ دهیم، قدم به وادی طراحی

آموزشی گذاشته ایم ولی اگر هریک از این پرسشها و ایدهها را

(که نمونهای از آنها در بخش قبلی مطرح شد)، به یک جلسه

محدود سازیم و پاسخ آنها را در جلسات تدریس خود در طول

سال جست وجو كنيم، ديگر از طراحي آموزشي فاصله گرفته

و به حوزهٔ نگارش طرح درس و تعیین تکلیف برای جلساتی با

تمام مباحث روانشناسی یادگیری، تکنولوژی آموزشی، برنامهریزی درسی و بالطبع طراحی آموزشی قرار می گیرد. اگر معلمی، صرفاً و به صورت مکانیکی و بدون آگاهی از مبانی فلسفی یادگیری، که برونداد اصلی تدریس وی در کلاس درس است، به طراحی آموزشی و تدریس کند، حاصل کارش مطلوب ما نخواهد بود. شاید مثالی در این ارتباط راه گشا باشد و آن تعریفی است که معلمان باید از یادگیری، بهعنوان بنمایه و ملات پیونددهندهٔ عناصر طراحی آموزشی در ذهن خود داشته باشند.

اگر همین الآن با مراجعه به یک جامعهٔ آماری تصادفی، از معلمان بخواهیم «یادگیری» را تعریف کنند، در کنار تعاریف عمدتاً نادرست، سه تعریف قابل قبول زیر را هم خواهیم شنید:

_ یادگیری عبارت است از تغییر رفتاری که قابل مشاهده و اندازه گیری باشد.

ـ یادگیری عبارت است از ایجاد تغییر در ساختارهای ذهنی. _ یادگیری عبارت است از خلق معنا در ذهن.

هریک از این سه تعریف، برگرفته از نوعی نگاه معرفت شناختی، نظری و فلسفی به یادگیری و براساس آن به فرایند تدریس، و به ترتیب شامل سه رویکرد تاریخی و به تدریج تکمیلشونده، یعنی «رفتارگرایی»، «شناخت گرایی و مطالعهٔ فرایندهای ذهنی» و در نهایت «سازنده گرایی» در روان شناسی یادگیری است. اگر هر کدام از این سه تعریف را بیذیریم، روشها، ابزارها، محیطهای یادگیری، روشهای ارزشیابی و ... تغییر خواهند کرد. بنابراین، ما در طراحی آموزشی، لاجرم مجبور به فهم و دریافت مجموعهای از رویکردها و نگاههای فلسفی به فرایند

تدریس و رویدادهای کلاس درس هستیم و تا همهٔ این مراحل را حس نکنیم و به آنها اشراف نداشته باشیم، و ریشههای فلسفی تحولات یادگیری را بازنمایی نکنیم، طراحی آموزشی و تدویـن، نگارش و اجرای طرحدرس، نه فلسـفی خواهد بود نه عملیاتی و خود را صرفا به شکل یک اقدام صوری نشان خواهد داد؛ چیزی که متأسفانه در برخی واحدهای آموزشی دیده میشود.

■ طراحی آموزشی چه زمانی انجام شود؟

طراحی آموزشی یک فعالیت فرایندی است و میتواند در

همهٔ ماههای سال تحصیلی صورت پذیرد ولی بهترین زمان برای طراحی آموزشــی هر یک از موادی که تدریس می کنیم، تابستان منتهی به شروع همان سال تحصيلي و نهايتا پايان هفته اول آغازین سال تحصیلی است. به عبارت دیگر، معلمی که براساس تعریف طراحی آموزشی، برای تدریس خود طی سال تحصیلی روشهایی را پیشبینی نکند، تدریس هدفمندی نخواهد

معلمے که با طراحی آموزشے وارد سال تحصیلی جدید می شود، صاحب فکر است، از کلاس خود تحلیل دارد، با آنچه تدریس خواهد کرد، آشنا و از آن آگاه است و مخاطبانی را که با آنها کار خواهد کرد، میشناسد. اگر یاددهی ـ یادگیری، حرفهٔ ۹ ماههٔ معلمان در طول سال تحصيلي است، طراحي أموزشي هوشمندانه در فصل تابستان مكملي بر اين فعاليتها و سرآغازی برای ورود قدرتمند به سال تحصیلی جدید است.

■ مىتوان بــراى طراحى آموزشـــى مراحلی متصور شد؟

در کتابهای طراحی آموزشی در دسترس (که تعدادی از آنها را در حاشیهٔ مطلب و در

درون چارچوبی جداگانه به شما معرفی کردهایم)، الگوهای متعددی برای طراحی آموزشے مطرح شدہ که هریک شامل گامها یا مراحلی است. برای مثال، در الگوی معروف هیلداتابا (برنامهریز درسی ژاپنی - آمریکایی)، که به «الگوی چهار مرحلهای، ده فعالیتی» معروف است، بهطور مشخص چهار گام «قبــل از تدریس، بیــرون از کلاس درس»، «قبل از تدریس، داخل مدرســه»، «حین تدریس» و «بعد از تدریس» به چشم می خورد و در سایر الگوها هم چنین تقسیم بندی هایی وجود دارد. البته در همهٔ الگوهای طراحی آموزشی، بهطور مشخص دو گام یا فصل اصلی و قابل تفکیک به چشم میخورد: **فصل**

درنگ، فصل برنامهریزی و طراحی.

آشنایی با

روشهای ارائهٔ

محتوا در فضای

مجازی، انواع

محتواهاي

الكترونيكي و

نحوهٔ ساخت و

استفاده از آنها،

مهارتی است که

در چنین شرایطی

به کمک معلمان

می آید و در

صورتی که معلم

در این زمینهها

توانمند باشد،

قادر خواهد بود

شرایط را تحت

کنترل خود نگه

دارد

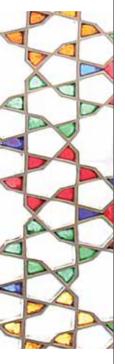
در فصل درنگ، به مقدمات طراحی آموزشی می پردازیم. درنگ، بهترین روش تحلیل آموزشی برای یک معلم و درس آموزی از تجربههای پشت سر گذاشته شده است. می گویند اگر معلمی یک سال به روشی نادرست تدریس کند و برای مثال ۲۰ سال این روش خود را تکرار کند و انتظار داشته باشد به او بگویند معلمي با ٢٠ سال سابقهٔ كار، به خطا رفته است.

فصل درنگ با تعمق آغاز می شود. یک سال فعالیت پر شور و شر و فعالانه با بچهها، استفاده از انواع و اقسام کاربرگها، آزمونها، نمونه ســؤالها، فيلمهاي آموزشــي، ياوريوينتها، روشهاي

یاددھے _ یادگیری گوناگون، پژوهشهای دانش آموزی، تکالیف انفرادی و گروهی که در طول سال برای فراگیرندگانمان تعیین کردهایم و دهها مورد دیگر، از جمله مواردی است که می توان در فصل درنگ به تحلیل آنها پرداخت و با طرح پرسےش، دربارۂ کارآمدی یا ناکارآمدی و تأیید، تغییر و اصلاح آنها طی سالی که یشت سر گذاشته شده، تصمیم گرفت. معلمان موفق، در همین فصل بسیاری از نمونه سؤالها، کاربرگها، فیلمهای آموزشی، پاورپوینتها و ... را دور می ریزند. اینها اغلب نمونههایی هستند که در کلاس از آنها بازخوردهای مناسبی نگرفته ایم و فراگیرندگان ارتباط خوبی با آنها برقرار نکردهاند؛ یعنی یا بسیار آسان بودهاند یا بسیار سےخت؛ یا جذابیت نداشے اند یا فراتر از سطح مخاطبانمان بودهاند. دراینجا، یکی از مهمترین نكات طراحي آموزشي، يعنى مخاطبشناسي، به کمکمان می آید. این ابزارها و روشها مانند علفهای هرزی هستند که باید وجین شوند ولی برخی به دور انداخته شـدن نیاز ندارند و کافی است آنها را هرس کنیم تا یک سال دیگر نیز در کلاسهای درسمان باقی بمانند. حتی برخی از ابزارها و روشها، مانند گلها و گیاهانی که سالها باغچهٔ ما را میآرایند، با رسیدگی درست

مى توانند سالهاى سال ياور ما در هنگامهٔ تدريس باشند. همین ایام، فرصت مناسبی برای مطالعه و به روزآوری دانش، توانش و بینشهای معلمان نیز هست. شاید قبول این موضوع برای بسیاری از معلمان سخت باشد ولی با توجه به تغییرات گستردهای که مرتب در حوزهٔ کار معلمی و روشهای تعلیم و تربیت به وجود می آید، وارد شدن به مهر، بدون روز آمدی، نامهربانی در حق خود و دانش آموزانمان است.

فصل برنامهریزی و طراحی، هدف گذاری و پیشبینی همهٔ آن چیزهایی است که قرار است در طول سال در کلاس به اجرا درآید. یک معلم هوشمند برگ و بار و توشهٔ سفر را با درنگ در



گذشته، گشتوگذاری در فصل تابستان و بازار تازههای آموزشی، برای طی کردن مسیر سالانهٔ خود به همراه بر می دارد. البته ممكن است پرسيده شـود أيا واقعاً مي توان از پلهٔ آخر شهريور ماه و برای دیر کردهها، از پلهٔ روزهای پایانی هفتهٔ اول مهر ماه، همه چیز را تا پایان سال تحصیلی پیش رو دید؟ پاسخ مشخص است. گفتیم که این دیدن، دیدنی از نوع چشمانداز و دور دستبینی است. ممکن است نتوانسته باشیم تمامی جزئیات مسير را درست تشخيص دهيم، ممكن است دانش آموزان سال جدیدمان، متفاوت با فراگیرندگان سال قبل باشند، ممکن است در طول سال، از لحاظ جسمي و روحي با فراز و نشيبها و حتى چالشهايي روبهرو شـويم، ممكن است مدير و مجموعهٔ كاركنان مديريتي مدرســهٔ محل خدمتمان، امسال پرشورتر و علاقهمندتر از قبل باشند یا بر عکس، و دهها امکان پیشبینی

نشدهٔ دیگر. اینها مواردی هستند که فرایندی بودن طراحی آموزشیی را به ما دیکته می کنند و باید همواره در طول راه به آنها بیندیشیم؛ درست مانند مسافری که در عید نوروز قصد سفر به بندرعباس می کند و تازه در مقصد متوجه می شود که برخلاف پیشبینی اش، هوا سرد است و بالاجبار، باید پوشاک زمستانی تهیه کند.

■ تدوین و نگارش طرح درس چه موقع از سال تحصيلي بايد صورت پذيرد؟

تدوین و نگارش طرح درس سالانه را معلمان حداكثر بايد تا پايان هفتهٔ اول سال تحصيلي انجام دهند. البته در مدارسی که برنامهٔ کار، روزهای تدریـس، کلاس یا کلاسهـا و مواد درسے معلمان مشخص است و به هیچ عنوان تغییر نمی کند، حتی می توان انتظار داشت که طرح درس سالانه زودتر هم تدوین شود ولی تدوین و نگارش طرح درس روزانه (یا هفتگی)، به دلیل ضرورت بازخوردگیری از روند تدریس

و فرایندی بودن این رویداد طی سال تحصیلی، بهتر است تدریجی باشد و حداکثر یک هفته زودتر از زمان اجرای همان طرح درس انجام گیرد.

■ آیا بهتر نیســت مدارس همــان اول مهرماه طرح درسهای تمام هفتهها و ماههای سال را از معلمان خود

این کار بی توجهی به بازخوردگیری از روند تدریس است. در تعریف طراحی آموزشیی و بالطبع در تشریح ضرورت تدوین و نگارش طرح درس، از عبارت «پیشبینی» استفاده کردیم. هرگاه این عبارت به «پیش گویی» تغییر یافت، آن گاه از مدیران و مسئولان امور آموزشی مدارس و راهبران آموزشی ادارات

آموزش ویرورش می توان انتظار داشت که همهٔ طرحدرسهای یک سال یک مادهٔ درسی را از معلمان طلب کنند.

■ با توجه بــه تأكيدي كه آموزشويرورش بر طراحي آموزشیی و تدوین و نگارش طیرح درس دارد، چرا مرکز یا مراکزی تأسیس نمیشود که طراحی آموزشی همهٔ برنامههای درسیی را انجام دهند و مجموعهای از طرحدرسها را برای اجرا تدوین و به همهٔ معلمان ابلاغ

تدریـس، رویـدادی «منحصربهفـرد» و به قـول برخی از کارشناسان آموزشی معاصر، متکی بر دی ان ای (D.N.A) معلمی است که آن را انجام میدهد. از این گذشته، تفاوتهای فردی دانش آموزان، اختلافات فرهنگی، اقلیمی، زبانی و قومی

معلمی که با

طراحي آموزشي

وارد سال

تحصيلي جديد

می شود، صاحب

فکر است، از

كلاس خود تحليل

دارد، با آنچه

تدريس خواهد

کرد، آشنا و از

آن آگاه است و

مخاطبانی را که با

آنها كار خواهد

کرد، مے،شناسد

دانش آموزان در مناطق گوناگون، اختلاف اندازه و نوع مدارس و کلاسهای درس، سطوح متفاوت خانوادههایی که فرزندان آنها در کلاسهای درس مناطق مختلف کشور حضور پیدا می کنند و بسیاری علل دیگر، مانع از آن می شود که بتوان طراحی آموز شی یکسان و طرحدرسهای مشابهی برای همهٔ معلمان در سراسر كشــور ارائه داد. البته چند سالى است که در برخی از کشورها، سازمانها و مراکزی در آموزشوپرورش رسمی یا بخش خصوصی تشکیل شدهاند که بخشهایی از طراحی آموزشی هر مادهٔ درسی را به همراه یک طرح درس سالانهٔ پیشنهادی و قسمتهایی از طرح درسهای روزانه یا هفتگی منتشر می کنند و در اختیار مدارس و معلمان قرار میدهند. این کار بهویژه در کشور ما که نظام برنامهریزی درسی متمرکز دارد، مناسبتر است. برای مثال، چون تدوین محتوا به صورت متمرکز صورت می پذیرد، لاجرم استخراج هدفها، شناسایی و ترسیم

ارتباطات عمودی و افقی درسها در هر پایه و با پایههای دیگر، توالی هدفها و برخی نکات دیگر می تواند به صورت متمرکز صورت پذیرد. این کار حتی برای بخشهایی از طرحدرسها هم امکان پذیر است ولی وقتی کار به جزئیات و آنجا میرسد که با ویژگیهای اختصاصی معلمان و دانش آموزان مرتبط است، نسخه پیچی متمرکز جوابگو نیست.

این روزها کارشناسان آموزشی، این قبیل طراحیهای آموزشی و طرحدرسهای نیمه آماده را با وام گیری زبانی از چرخهٔ توزیع غذاهای نیمه آمادهٔ امروزی مانند لازانیا و سیبزمینی نیم پخت، به صورت تمثیلی «طراحی آموزشــی و طرح درس نیمه پخت» مینامند و می گویند ما تا نیمههای راه و در حد ترسیم خطوط كلى پيش مىرويم؛ بقيهٔ كارها صرفا از آن معلم و وظيفهٔ اوست.

■ چه کسے باید لازانیای نیمیخت یا طراحیهای آموزشی و طرح درسهای نیمه پخت را آماده کند؟

اکنون این کار در مدارسی که دارای گروه (دپارتمان)های آموز شے معتبرند، توسط همین گروهها صورت میپذیرد. این کار، با توجه به خرد بودن نظام آموزشی تا حد مدرسه، بسیار مطلوب و مناسب به نظر می رسد. در وهلهٔ بعد، گروههای آموزشی مناطق، شهرستانها و نواحی آموزش و پرورش و آن گاه استانها، به دلیل امکان لحاظ کردن ویژگیهای منطقهای در طراحیهای آموزشی و طرحدرسهای معلمان، باصلاحیت ترین نهادها برای نیمپز کردن نظام طراحی آموزشی و طرحدرسنویسی هستند.

ضمن اینکه هماکنون در کشورمان، مؤسساتی به تعداد کمتر از نصف انگشــتان یک دســت، بهصورت موردی در این زمینه فعال اند که لازم است آموزش وپرورش از توانمندی های آنان در توسعهٔ نظام طراحی آموزشی بهره ببرد.

البته شــكل ايدهآل اين كار، تأســيس يك مرکز یادگیری متمرکز در هر منطقه است تا بتواند تمام نیازهای مربوط به طراحی آموزشی و تدوین و نگارش طرح درس در هر ناحیهٔ همگن را به صورت نظاممند دریک جا متمرکز کند و برطرف سازد.

■ بســـیاری از معلمان از نوشتن طرح درس به دلیل وقت گیر بودن آن ســر باز مىزنند.آيا اين كار واقعا وقتگير است؟

طرحدرسهای کلاسیک، بهویــژه طرحدرسهایی که براساس روانشناسی یادگیری رفتارگرا تدوین میشدند، بسیار پر حجم و پرنوشتار، جزئی، پیچیده و حتی در برخی مـوارد پیش گویانه بودهانـد. برای مثال، اگر معلمی در طول سال در پایهٔ دهم عهدهدار تدریس دو مادهٔ درسی باشد و هر کدام از درسها هم ۲۵ درس، گفتار یا بخش داشته باشند، باید

حداقل ۵۰ طرحدرس بنویسد اما براساس الگوهای کلاسیک که در آنها هر طرحدرسی به طور میانگین حجمی معادل ۱۰ صفحــهٔ A۴ را به خود اختصاص می دهد، این معلم باید حدود ۵۰۰ صفحه طرحدرس بنویسد. خب، او چـارهٔ کار را در چه می بیند: ننوشتن. در حالی که امروزه نوشتن طرحدرس متحول و متنوع شده، تغییرات زیادی پیدا کرده و به سرعت به سمت سادگی پیش رفته است. در این روش، دادن فرم یکسان برای نگارش طرح درس توسط معلمان، از سوی مدرسه و اداره به شــدت زیر سؤال رفته و تأکید بر این است که اجازه بدهید هر معلمی با رعایت اصول کلی، هر طور و به هر شکلی که خود

می خواهد، طرح درس بنویسد. در این نگرش، تقسیم زمان ۴۵ یا ۹۰ دقیقهای کلاس به شکل مثقالی، توضیح و شرح و بسط هر اتفاق و پرسش و پاسخی که قرار است در کلاس رخ دهد و در یک کلام شرح جزئیات، کنار رفته و طرح درسهای مبتنی بر جدول، کارت، نقشــهٔ مفهومی، اینفوگــراف و ... در دستور کار قرار گرفته است. اکنون در دو نشانی زیر می توانید طرح درسهای فراوانی را با مدلهای گوناگون مشاهده کنید: www.lessonplanz.com

www.lessonplanpages.com

علاوه بر این باید در نظر گرفت که طرح درس روزانه، برخلاف طرح درس سالانه که به دلیل مبتنی بودن بر تقویم سال شمسی

طراحي آموزشي

ىک فعالىت

فرایندی است

و می تواند در

همهٔ ماههای

سال تحصيلي

صورت پذیرد

ولی بهترین زمان

برای طراحی

اموزشی هر یک

از موادی که

تدریس می کنیم،

تابستان منتهى

به شروع همان

سال تحصیلی و

نهابتا يابان هفته

اول آغازين سال

تحصيلي أست

یک بار مصرف است، صرفاً برای یک بار استفاده در کلاس نوشته نمی شود و طرح درسهای سال قبل را می توان در فصل درنگ، بازبینی کرد و با اصلاح مبتنی بر بهبود، دوباره از آنها بهره برد. البته معلمان پایهٔ دهـم به دلیل جدیدالتألیف بودن کتابهای خود، امسال نخستین طرح درسهای این پایه را خواهند نوشت.

■نتيجهٔ طراحي آموزشـــي درســت و اجرای طرح درس ســالانه و روزانهای که برگرفته از همان طراحی آموزشی اصولی است، به چه اقدامی باید رهنمون شود؟ کارشناسان آموزشی معتقدند که طراحی آموزشی آغاز یک چرخهٔ چهار مرحلهای است؛ چرخهای که پس از گذر از سه مرحله، دوباره به طراحی آموزشی بازگشت می کند.

ما فرایند تدریس را با طراحی آموزشی آغاز مى كنيم؛ أن گاه به تدوين طرح درس سالانه می پردازیم و سیس با نگارش و اجرای طرح درس روزانه یا هفتگی، درصدد پیشبرد فعالیت یاددهی ـ یادگیری خـود برمیآییم. تا اینجا، سه مرحله پشت سر گذاشته شده، ولی برای رسیدن به طراحی آموزشی دگرباره، یک بخش

دیگر باقی مانده و آن ارزیابی از تدریس است که در اشکال گوناگون مانند «خودسنجی»، «همتاسنجی» و «دگرسنجی» نمود پیدا می کند و «تدریس پژوهی» نیز یکی از روشهای اجرایی آن است. به عبارت دیگر، نتیجهٔ طراحی آموزشی درست و اجرای طرح درس سالانه و روزانهای که برگرفته از همان طراحی آموزشی اصولی است (یک سال تدریس)، و حرکت به سوی یک طراحی آموزشی دیگر برای سالی جدیدتر، بدون وجود حلقهٔ چهارم و دخالت یافتههایی که معلم از اشــکال گوناگون «ارزیابی از تدریس» خود به دست آوردهاست، بیمعنی خواهد بود.

